

حادثه‌ها

افشای راز قتل بعد از ۱۰ سال

●**شرق:**درگیری دو جوان به کشف راز جنایتی منجر شد که ۱۰ سال قبل رخ داده بود.ماموران پلیس شیراز چندی قبل از درگیری دو مرد در ترمینال این شهر مطلع شدند و وقتی به آنجا رفتند در بازرسی از ساک یکی از آنها سلاح کلاشنیکف و ۲۸ تیر فشنگ جنگی کشف کردند.نفر دوم نیز ادعا کرد مرد مسلح قصد داشت از وی زورگیری کند. به این ترتیب متهم به نام بهنام یازداشت شد. این مرد در بازجویی‌ها مدعی شد برادرش ۱۰ سال قبل به قتل رسیده است. بهنام گفت: «مردی که با او درگیر شده بودم احسان نام دارد. من، احسان و برادرم بهنود ۱۰ سال قبل برای کار از شیراز به تهران رفتیم. بعد از مدتی کار کردن وقتی می‌خواستیم پول‌هایمان را تقسیم کنیم میان من و بهنود اختلاف پیش آمد. برادرم سهم بیشتر می‌خواست و من حاضر به پرداخت نبودم. در این اثنا احسان به حمایت از من با برادرم درگیر شد و با میله آهنی ضرباتی به او زد. برادرم همانجا فوت شد و ما تصمیم گرفتیم راز این قتل را پنهان کنیم. همچنین قرار گذاشتیم از پولی که به دست آورده بودیم ۱۰ میلیون تومان به خانواده بهنود بدهیم و باقی را خودمان برداریم.» متهم ادامه داد: «جسد را در منطقه‌ای خلوت رها کردیم و احسان به شیراز بازگشت اما من در تهران ماندم. احسان در تمام این سال‌ها در پرداخت پولی که قرارمان بود خودداری می‌کرد به همین دلیل تصمیم گرفتم سلاحی بخرم، او را تهدید کنم و پول‌هایم را بگیرم.» ماموران بعد از شنیدن این ادعاها احسان را نیز بازداشت کردند و چون قتل در تهران به وقوع پیوسته بود وی را به پایتخت فرستادند. احسان فعلا اتهام قتل را رد کرده است اما تحقیق از وی همچنان ادامه دارد.

کشف کار گاه تولید شیشه

● **ایسنا:** رییس کلانتری خزانه از دستگیری مردی خبر داد که در مخفیگاهش کارگاه بزرگ تهیه و بسته‌بندی مواد روانگردان ایجاد کرده بود. سرهنگ احمد صالحی گفت: ماموران در پی دریافت گزارش‌های مردمی مبتنی بر تهیه و توزیع مواد مخدر از نوع شیشه به تحقیق در این رابطه پرداختند و وی را بیان اینکه ماموران پس از انجام اقدامات اطلاعاتی و رصد محدوده دریافتند که فردی به نام «یوسف» در منطقه خزانه تهران اقدام به توزیع شیشه می‌کند، گفت: متهم وقتی سوار بر موتورسیکلت به پاتوقش مراجعه کرده بود، شناسایی شد. رییس کلانتری خزانه با بیان اینکه متهم به ماموران حمله کرد، گفت: ماموران با سرعت عمل خود، ضمن خلع سلاح کردن این فرد، او را به همراه ۶۵ گرم شیشه دستگیر کردند. صالحی با بیان اینکه ماموران در بازرسی از مخفیگاه متهم به کار گاه بزرگ تهیه و بسته‌بندی مواد روانگردان، آلات و ادوات بسته‌بندی و استعمال موادمخدر رسیدند، گفت: متهم به همراه برپرونده در اختیار مقام قضایی قرار گرفت.

لانه کیوتر اعضای خانواده‌ای را تا پای مرگ برد

● **باشگاه خبرنگاران:** آتش‌نشان چهار نفر را که دچار گازگرفتگی شدید شده بودند، از مرگ حتمی نجات دادند. بعدازظهر دوشنبه پیش از آنکه خبر گازگرفتگی اعضای خانواده‌ای توسط همسایگان به آتش‌نشی شهریار اعلام شود، امدادگران به محل رفتند و فهمیدند چهار نفر از اعضای خانواده به علت استفاده نکردن از لوله استاندارد و کلاهک مناسب برای آبرگرمکن و لانه‌سازی برندگان در مسیر لوله دچار گازگرفتگی شده‌اند. آتش‌نشان اعضای این خانواده را نجات دادند.

شرق: کار آگاهان پلیس آگاهی تهران چندی قبل سه متهم را دستگیر کردند که با تشکیل باندی، مقابل بانک‌ها و مراکز تجاری کمین می‌کردند و کیف طعمه‌هایشان را می‌دزدیدند. دو نفر از این متهمان در گفت‌وگو با «شرق» درباره این سرقت‌ها توضیحاتی داده‌اند.

یکی از متهمان جوانی ۲۷ساله به نام وحید است.

● **چقدر درس خوانده‌ای؟**

فوق‌دیپلم تربیت بدنی و دانشجوی انصرافی لیسانس همین رشته هستم.

● **شغل‌ت چیست و چقدر در آمد داری؟**

من در کار خریدوفروش ماشین هستم و ماهانه حدود سه تا چهارمیلیون تومان درآمد دارم.

● **درآمد خوبی داشتی پس انگیزه‌ات از سرقت‌ها چه بود؟**

من و هم‌دستانم احتیاج مالی نداشتیم، به‌خصوص خود من و بیشتر برای هیجانش این کار را می‌کردم و جنبه روانی داشت. به همین دلیل خرد خرد سرقت می‌کردیم.

● **سرقت‌ها را چگونه انجام می‌دادی؟**

اصلا با مالباختگان رودرو نمی‌شدیم. پول، طلاها و وسایل داخل خودرو را وقتی صاحبش آنها را در ماشین می‌گذاشت و برای خرید یا انجام کاری می‌رفت سرقت می‌کردیم. برای این کار یا شیشه را می‌شکستیم یا در ماشین را باز می‌کردیم.

● **چه تعداد سرقت را در چه مدت انجام داده‌ای؟**

چهار یا پنج مورد در حدود هفت‌ماه.

● **یعنی ره ماه کمتر از یک سرقت؟**

من خفته و زندگی خودم را داشتم و اصلا نیاز مالی دلیل سرقت‌ها نبود.

● **اولین‌بار چه زمانی خلاف را شروع کردی؟**

اولین‌بار سال ۸۷ در خارج از کشور با یکی از دوستانم که الان ایران نیست جرایم مشابهی را انجام دادیم.

● **در کدام کشورها این جرایم را انجام داده‌ای؟**

امارات، ارمنستان، ترکیه و آذربایجان.

● **تو در کرج ساکن هستی. چرا برای سرقت به تهران می‌آمدی؟**

ما اصلا در تهران جرمی را مرتکب نشده‌ایم. یک روز صبح هر کداممان در خانه خودمان بودیم که ساعت شش چند مامور در عملیات جنگاله و همزمان به خانه‌مان ریختند و من و هم‌دستانم را دستگیر کردند و به آگاهی تهران آوردند. ● **اما می‌گویند در جاده مخصوص کرج و در حوزه استحفاظی تهران هم جرایمی را انجام داده و حتی چند نفر را از کرج تا تهران تعقیب کرده‌اید.**

وقتی دست بسته و زیر سنگ است ره چه بگویند باید بگویی چشم.

شرق: سه مرد جوان که متهم هستند دختری را ربوده، بارها مورد آزار جنسی قرار داده و به قتل رسانده‌اند در حالی برای بار دوم پای میز محاکمه رفتند که دیوانعالی کشور عمل آنها را قتل عمد ندانست. به گزارش خبرنگار ما، ماموران پلیس تهران ۱۹فروردین سال ۸۷در جاده مخصوص کرج و را پیدا کردند که آثار برجامنده روی بدنش نشان می‌داد، مورد آزار جنسی قرار گرفته است. وقتی ماموران تحقیقات را برای پیداکردن عمل قتل آغاز کردند متوجه شدند این دختر چندروز قبل از پیداشدن جسدش با سه مرد به نام‌های پوریا، مهیار و سروش قتل عمدی به ۱۰سال حبس و به جرم تجاوز به اعدام محکوم شدند. پرونده با اعتراض متهمان به دیوانعالی کشور فرستاده شد و قضات بعد از بررسی پرونده اعلام کردند مدارک برای



● **پول‌های مسروقه را چه کرده‌ای؟**

پول برایم مهم نبود. بحث هیجانش بود. پول‌ها خرج شده. سفر رفتیم، لباس می‌خریدیم و از اینجور کار‌ها می‌کردیم. ما مانگین ماهی سهمی میلیون تومان سرقت کردیم که رقم زیادی نیست.

● **سهمی‌لیون تومان در ماه زیاد نیست؟**

به هر حال هر کسی دنبال رفاه بیشتر است. من هم برای رفاه بیشتر و هم برای اینکه جلوی دخترها تیپ و قیافه‌ای داشته باشم مجبور بودم پول خرج کنم.

● **مگر با چند دختر رابطه دوستانه داشتی؟**

چند نفری بودند که هر کدام کلی خرج داشتند.

● **تو می‌گویی دلیل اصلی دزدی، هیجان، لذت این کار و مسایل روانی بود چرا برای درمان به مشاور مراجعه نکردی؟**

می‌شد به مشاور مراجعه کنم اما فرصت نشد.

● **یعنی نمی‌توانستی به‌جای خوشگذرانی و سرقت وقتت را برای این کار بگذاری؟**

باید این کار را می‌کردم. اشتباه کردم. الکی خودم را درگیر کردم.

● **افسر پرونده‌ات می‌گوید مادر ت هم جیب‌بر حرفه‌ای است.**

بله او وقتی ما را دستگیر کردند، بازداشت شد.

● **یعنی او هم همدست شما بود؟**

نه او همدست ما نبود اما در تفتیش خانه ما مقداری اسناد و مدارک مربوط به افراد دیگری پیدا کردند که معلوم شد مدارک افرادی است که مادرم جیبشان را زده بود به همین

حوادث

۲ سارق حرفه‌ای در گفت‌وگو با «شرق»:

سرقت را به‌خاطر هیجان انجام می‌دادیم

خاطر او را هم دستگیر کردند.

● **پدرت هم خلاف می‌کند؟**

او خلاف نمی‌کرد. چند سالی است که فوت شده است.

● **پدرت می‌دانست شما خلاف می‌کنید؟**

بله. فقط نصیحت می‌کرد و ما هم گوش نمی‌دادیم.

● **نقش خانواده و مادر ت در خلافکارشدنت چقدر بود؟**

هیچ نقشی نداشتند. من خودم خواستم.

● **از چند سالگی فهمیدی مادر ت جیب‌بری می‌کند؟**

۱۴ یا ۱۵ سالگی.

● **دلیل جیب‌بری‌های مادر ت چه بود؟**

او هم به خاطر هیجان سرقت می‌کرد.

● **چرا با هم همکاری نمی‌کردید، واکنش تان به رفتارهای یکدیگر چه بود؟**

هر دو مخالف خلاف دیگری بودیم و همدیگر را نصیحت می‌کردیم اما هیچ کدامان گوش‌مان به‌دکار نبود.

● **از تو یک پاسپورت جعلی و دو کارت ملی اصل با نام‌های مختلف و عکس خودت کشف شده است. ماجرای آنها چیست؟**

پاسپورت برای خروج از کشور است و کارت ملی‌ها هم یکی به اسم برادرم اما با عکس من است و دیگری هم کارت خودم است. به خاطر سربازی این کار را کردم.

● **تو کـــه سربازی نرفته‌ای چطور از کشور خارج می‌شدی؟**

قاچاقچی ره بار ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان خرجش می‌شد.

● **چرا قاتل یا سارق مسلح نشدی؟ چرا به این شکل سرقت می‌کردی؟**

من که خلاقکار حرفه‌ای نبودم، فقط به‌خاطر هیجان کار می‌کردم.

● **تو سابقه هم داری. آن پرونده چه؟ دفعه قبلی که دستگیر شده بودی درس عبرتی برایت نشده بود؟**

آن دفعه هم به خاطر موارد مشابه دستگیر و به رد مال محکوم شدم و ۳۰میلیون تومان ضرر و زیان دادم. اصلا یکی از دلایلی که دوباره شروع به دزدی کردم، جبران ضرر و زیان آن دفعه بود اما کار درستی نبود.

● **خودرو گرانیقتی داری آن را از کجا آورده‌ای؟**

ماشینی که زیر پام بود ارزشش حدود ۱۳۰میلیون تومان بود ولی فقط ۳۰میلیون آن مال من بود و بقیه مال افراد دیگر، ماشین نوعی سرمایه‌گذاری بود.

● **تو می‌گویی نیاز مالی نداری. منبع درآمد دیگری هم غیر از خرید و فروش خودرو داشتی؟**

پدرم چند کمک تجاری و معمولی در نزدیکی کرج داشت از آنجا هم دریافت مالی داشتم.

● **تا به حال با مالباختگان روبه‌رو شده‌ای؟ چه جوابی برای آنها داری؟**

شرمندهام. هیچ جوابی ندارم به آنها. بدهم اما تقصیر خودشان هم بود. چون چندمیلیون تومان پول از بانک می‌گرفتند، بدون اینکه تمهیدات لازم را انجام بدهند. مثلاً می‌توانستند چک بین بانکی، چک رم‌ذار را حتی تراول چک که کم‌حجم است و به‌راحتی در جیب جا می‌شود، بگیرند یا حتی می‌توانستند آن همه پول را در ماشین نگذارند. به هر حال بی‌احتیاطی خودشان هم دلیل این اتفاق بود.

● **اما اینها دلیل نمی‌شود که کسی دزدی کند؟**

جز شرمندگی جوابی ندارم.

● **گفت‌وگو با متهم دوم**

جمشید ۳۷ساله دومین عضو این باند سرقت و کیفیابی است.

● **چقدر درس خوانده‌ای؟**

مهندس متالوژی هستم.

● **تو هم به خاطر هیجان خلاف می‌کردی؟**

آره اما من نیاز مالی هم داشتم چون مدتی قبل ورشکست شده بودم.

● **چطور با همدستانات آشنا شدی؟**

با هم به‌جملهل بودیم.

● **قبل از ورشکستگی شغل‌ت چه بود؟**

در کار واردات شلنگ‌های فشارقوی باد بودم. در کار ما اگر ببینند کسی دارد بزرگی می‌شود جلوش را می‌گیرند. نوسانات بازار هم مزید بر علت شد تا ورشکسته شوم.

● **می‌گویند لاپرا‌اتوار تولید شیشه هم در خانه‌ات داشتی. نه لاپرا‌اتوار شیشه نبود. می‌خواستم مواد شوینده**

ارزان‌قیمت برای شرکت‌ها تولید کنم.

● **خودت معتاد هستی؟**

نه.

● **اما چه‌ره‌ات و افسر پرونده چیز دیگری می‌گوید.**

یک سال بعد از ورشکستگی به خاطر فکر و خیال معناد شدم اما بعد ترک کردم و الان هم که ۵۰ روز است در بازداشت هستم. این موضوع به من در ترک کمک کرد.

● **شیشه‌ای که در خانه‌ات پیدا شده از کجا آمده، تولید خودت است؟**

نه آن برای زمان مصرف است. در اثاث‌کشی پیدا شد. خود شما هم در اثاث‌کشی چیزهایی پیدا می‌کنید.

● **آره اما نه شیشه، قصداًری بعد از آزادی چه کار کنی؟**

من که توبه کرده‌ام وحید هم همین طور.

● **آیا همسر ت می‌دانست دزدی می‌کنی؟**

نه. ما در خانواده‌مان اعتقاد داریم مرد باید صبح از خانه

خارج شود و شب به خانه بر گردد. مدتی مسافر کشی می‌کردم و بعد هم با وحید آشنا شدم. من حتی در برخی موارد خیلی اذوکنشیده و با کت‌وشلوار برای سرقت می‌رفتم.

است و درخواست کرد به او جای خواب بدهم. من قبول نکردم گفتنم خودم با پدرومادرم زندگی می‌کنم. بعد از چندبار تماس و صحبت‌هایی که با سروسر کردم از طریق مهیار دوست دیگرمان جایی پیدا کردیم و قرار شد مال را راه آنجا ببریم. باغ متعلق به پدر مهیار بود. من قبول دارم با مال را رابطه داشتم اما اصلا به‌زور نبود. چندبهای دیگر هم رابطه داشتم اما مال را خوش خواست و اصلا ناراحت نبود. متهم درباره قرض‌هایی که به مقتول داده بود گفت: او را قرض نترامادول خواست. من فکر می‌کردم معتاد است و قرض برایش تهیه کردم. من به‌زور به او قرض ندادم. بعد هم جسدش را در همان باغ در ملأدرها کردیم. با پایان جلسه رسیدگی هیات قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

انگیزه نامعلوم

برای قتل در ساختمان نیمه‌کاره

تا کسی از داخل ساختمان دزدی نکند. من نیز هرچند وقت یکبار به ساختمان سر می‌زدم. روز ۱۵ مرداد در مسیر بازگشت از محل کار خود بودم که پربندی را در حال خروج از ساختمان مشاهده کردم. به تصور اینکه راننده پراید از داخل ساختمان سرقت کرده قصد داشتم او را متوقف کنم اما ماشین قبل از رسیدن من به مقابل ساختمان از محل دور شد و من در آن لحظه فقط توانستم شماره پلاک آن را یادداشت کنم. پس از رفتن ماشین بلافاصله داخل ساختمان رفتم و به بررسی مصالح و تجهیزات ساختمانی پرداختم و مطمئن شدم سرقتی انجام نشده است. من نیز به همین علت موضوع را به صاحب ساختمان اطلاع ندادم.

کارآگاهان با توجه به اطلاعات جدید، صاحب خودرو پراید را شناسایی و او را ساعت ۱۹ روز دوشنبه هفته جاری دستگیر کردند. متهم ۳۴ساله به نام حسن پس از حضور در پلیس آگاهی ابتدا قتل را انکار اما در ادامه به ارتکاب این جرم اعتراف کرد و گفت: «پس از ورود مقتول به ساختمان، وی را به بهانه بازدید و مترآز به طبقه بالای ساختمان بردم. وقتی او در حال اندازه‌گیری قسمت‌های داخل آشپزخانه بود، رشتنای پلاستیکی را که همراه خود داشتم دور گردنش انداختم و او را خفه کردم. سپس جسد را در صندوق عقب پراید گذاشتم. بلافاصله با ساختمان خارج شدم و اجازه را در بیابان‌های منطقه حسن آباد رها کردم.»

سرهنگ آریا حاجی‌زاده، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ، با تأیید این خبر گفت: «با توجه به اعترافات صریح متهم، قرار بازداشت موقت از سوی مقام قضایی صادر شده و متهم برای انجام تحقیقات مشخص‌شدن انگیزه جنایت در اختیار پلیس آگاهی قرار گرفته است.»

رخداد

متهم ادعا کرد

قتل پسر خاله در دفاع از خود

● **شرق:** پسر جوانی که متهم است پسرخاله‌اش را با ضربات چاقو به قتل رسانده، در جلسه رسیدگی به پرونده‌اش مدعی شد برای دفاع از خودش دست به این قتل زده است.

به گزارش خبرنگار ما، متهم که شهروز نام دارد یک سال پیش در خانه‌ای که به اتفاق پسرخاله‌اش مه‌ران در آن زندگی می‌کرد او را با ضربات چاقو به قتل رساند. دیروز در ابتدای جلسه رسیدگی به این پرونده که در شعبه ۲۴ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد بعد از اینکه نماینده دادستان تهران کیفرخواست را خواند و برای متهم درخواست مجازات کرد، پدر و مادر فحش داد او حرف‌های حاضر شدند و درخواست صدور حکم قصاص کردند. سپس متهم قتل پسرخاله‌اش را قبول کرد و گفت: من مه‌ران را نکستتم اما اصلا عمدی نبود و در دفاع از خودم ایسن کار را کردم. ما با هم زندگی و هر دو در تهران کار می‌کردیم. سر موضوعی باهم اختلاف پیدا کردیم مه‌ران به پدرم فحش داد او حرف‌های خیلی زشتی زد در حالی‌که می‌دانست پدرم مرده است و من خیلی ناراحت می‌شوم. بار اول سر این موضوع با هم درگیر شدیم و قهر کردیم خانواده مه‌ران هم در جریان این موضوع بودند. در دوم او دوباره سراغم آمد و درگیری ما بالا گرفت چون یکبار دیگر به پدرم فحش داد. وقتی با هم دعوا کردیم به خانه برادرش رفت و قاپوچی آورد. فکر می‌کردم این درگیری تمام شده اما او با چاقو به من حمله کرد برای اینکه از خودم دفاع کنم، با هم درگیری تن‌به‌تن پیدا کردیم. چاقو را از دستش گرفتم که همین هم باعث شد دستم زخمی شود و آثار آن برجای مانده است بعد هم ضربات چاقو را به سمتش پرت می‌کردم تا جلو نیاید و دور شود اما دست‌بردار نبود.

در همین هنگام یکی از قضات گفت: وقتی چاقو را از دست مه‌ران گرفتی می‌توانستی محل را ترک کنی یا چاقو را به جایی بیندازی که مقتول دستش نرسد. متهم جواب داد: من می‌خواستم این کار را بکنم اما مه‌ران دست‌بردار نبود او به من حمله کرد و مرا قتل طوری که توان حرکت نداشتم، مجبور شدم چاقو بکشم تا رهایم کند. ضمن اینکه وقتی من چاقو را به سمتش پرت می‌کردم نمی‌دانستم ضربات به بدن او برخورد می‌کند. بعد از بازداشت بود که متوجه شدم ۱۴ ضربه چاقو بر بدنش وارد کرده‌ام. شهروز ادامه داد: بعد از قتل از خانه خارج شدم و با برادر مه‌ران تماس گرفتم و گفتم چه اتفاقی افتاده است بعد هم به کرج رفتم و مدتی در کرج زندگی می‌کردم. برای اینکه نمی‌توانستم زندگی عادی داشته باشم دوباره به شهرم برگشتم و مدتی آنجا بودم تا اینکه تصمیم گرفتم خودم را تسلیم ماموران بکنم. من باز هم می‌گویم در دفاع از خودم این کار را کردم و خانواده مه‌ران هم می‌دانند او را من درگیری داشتم و چندین‌بار به سمتم حمله کرده بود.

بعد از پایان گفته‌های متهم– وکیل‌مدافع او در جایگاه حاضر شد و گفت: موکل من از خودش دفاع کرده است و با توجه به اینکه چاقو متعلق به مقتول بود او راهی به‌جز ضربه‌زدن نداشت. هیات قضات با پایان یافتن جلسه رسیدگی برای صدور رای وارد شور شدند.

زن معتاد توسط همسرش کشته شد

● **باشگاه خبرنگاران:** مردی که با همسر معتادش اختلاف داشت او را به قتل رساند و جسدش را کنار جاده رها کرد. ماموران پلیس شهرستان طیس ۲۷ شهریور جنازه زنی حدودا ۴۵ساله را کشف کردند. پس از مشخص‌شدن هویت مقتول ظن ماموران نسبت به بستگان نزدیک وی زیاد و سرانجام شوهر او به‌عنوان متهم شناسایی و دستگیر شد. این مرد در ابتدای تحقیقات منکر قتل بود ولی پس از ارایه دلایل و مستندات کافی از سوی پلیس، لب به اعتراف گشود و گفت: «مقتول همسر اولم بود و مدت پنج سال نیز با وی زندگی کردم و ماحصل زندگی‌مان نیز فرزندزی پسر است. پس از اینکه متوجه شدم همسرم انحرافات جنسی و اعتیاد دارد وی را طلاق دادم اما اسمال به درخواست خانواده همسرم، مجدداً با او ازدواج کردم و چندماه‌ی نیز با همم زندگی کردیم ولی پس از مدتی متوجه شدم وی همچنان دچار انحراف و اعتیاد است. چندین بار او را نصیحت کردم اما فایده‌ای نداشت. قاتل انگیزه خود را از جنایت اختلاف خانوادگی و اعتیاد مقتول عنوان کرد و گفت همسرش را به بهانه دیدار با خانواده سوار خودرو کرد و در راه پس از کشتن این زن، جسد وی را در حاشیه جاده رها کرد.

بریده‌اخبار

● **دو سارق که با ربودن پژو ۲۰۶ اقدام به سرقت‌های خشن و زورگیری در مشهد می‌کردند شناسایی و دستگیر شدند.**

● **پلیس فتای شهرستان سبزوار خراسان رضوی با دستگیری سارق اینترنتی از راز ۱۵ فقره سرقت پرده برداشت.**

● **شهردار سابق «سان دیگو» در آمریکا به جرم مسایل غیراخلاقی به سه ماه حبس خانگی محکوم شد.**

روابط عمومی سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس